



# وکالت در حقوق ایران از نظریه تا عمل

محمد رحیم بهبهانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

## چکیده

زمینه: یکی از رایج‌ترین، پرکاربردترین و درعین حال بحث‌برانگیزترین عقود، عقد وکالت می‌باشد. طبق تصریح قانون‌گذار اثر ذاتی این عقد اعطای نیابت از سوی موکل به وکیل می‌باشد. این نهاد حقوقی به واسطه کاربرد گسترده و متنوع آن در تمام نظام‌های حقوقی وجود دارد و مباحث گسترده‌ای در خصوص تعاریف، نحوه شکل‌گیری و آثار آن توسط قانون‌گذاران و حقوق‌دانان مطرح گردیده است. هرچند اثر ذاتی این عقد که همانا اعطای نیابت به وکیل برای انجام امر یا امور خاص می‌باشد، در تمام نظام‌های حقوقی و از جمله نظام حقوقی ایران، حفظ شده است، لیکن به جهت اهمیت و کاربردی بودن این عقد و اقبال عمومی، انگیزه‌های استفاده از آن و همچنین شکل انعقاد و به تبع مقررات مربوط به آن نیز بسته به نوع استفاده، متنوع و متکثر گردیده است. هدف: وکالت در حقوق ایران از نظریه تا عمل است تا وکالت‌های محضری (رسمی)؛ وکالت دادگستری؛ وکالت‌های در مقام بیع، وکالت‌های بلاعزل و... مسائل مبتلا مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق: توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع موجود و دستاوردهای مطالعات پیشین بوده تا به اثبات شکل‌گیری انواع عقود وکالتی بر اساس تعریف قانون مدنی با لحاظ پاره‌ای استثنائات اقدام نماید. نتایج: این تحقیق ضمن تعریف کلی و جزئی وکالت به تبیین هر یک از مسائل مستحدثه در عرصه وکالت پرداخته است.

## کلید واژه‌ها

وکالت، بیع، وکالت دادگستری، وکالت بلاعزل، تفویض وکالت، حق توکیل.

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران (نویسنده مسئول):

## ۱. مقدمه و بیان مساله

وکالت از جمله عقود معین مصرح در قانون مدنی است که قانونگذار در مواد ۶۵۶ الی ۶۸۳ مقرراتی را درباره‌ی آن وضع کرده است. امروزه با توجه به افزایش روابط اجتماعی و گسترش مبادلات اقتصادی، اجتماعی و ... انعقاد این عقد رشد روزافزونی یافته است و به طرق مختلف نیز اعطا می‌گردد. مقررات قانون مدنی ایران تا حدود زیادی برگرفته از فقه امامیه است. پرسشی که در این مقاله مطرح می‌باشد این است که وکالت در فقه امامیه و حقوق ایران از منظر دیدگاه‌های نظری با آنچه در عمل وجود دارد، مطابقت می‌کند؟ در فقه، به مباحث وکالت اشاره شده و انواع آن مورد تحلیل فقهاء قرار گرفته است. قانونگذار نیز مطالبی را در قانون مدنی در مورد وکالت بیان داشته است. اندیشمندان حقوقی با توجه به مباحث فقهی و نظر قانونگذار مبادرت به تجزیه و تحلیل و بیان مسائل عقد وکالت نموده‌اند.

بنابراین وکالت موضوعی است که از دیرباز مورد توجه جامعه قرار گرفته است به طوری که در همه ادیان از جمله دین اسلام نه به شکل امروزی بلکه به شکل سنتی و اولیه وجود داشته است. طوری که امام علی علیه السلام برادر خود عقیل را وکیل خود قرار داده است با گذشت زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی و ارتقاء سطح علمی جامعه کم کم وکالت به حالت امروزی درآمده است به گونه‌ای که هم اکنون به علم تخصصی تبدیل شده است و امروزه وکالت حاوی مقررات خاص بوده و با تصویب قانون در کشورها مثل کشور ایران که بخشی از قانون مدنی را به بیان مسائل مربوط به وکالت اختصاص داده شده است، یا اینکه قانون مستقلی برای آن تصویب کرده‌اند و آنچه مهم است این است که وکالت یک نوع پدیده و موضوع جدانشدنی از بشریت می‌باشد همواره انسانها در امورات خود به وکیل و نایب نیازمند هستند و روز به روز به دلیل پیچیدگی و مسائل روزمره نیازمندی به نیابت بیشتر خود را نشان می‌دهد بنابراین دانستن مسائل وکالت از جمله ماهیت نیازمندی و قلمرو موضوعی آن لازم و ضروری است و این ضرورت ایجاب می‌کند که با فهم و درک این موضوع از اشتباهات پیشگیری شود و آگاهی از مسائل آن در نهایت باعث پیشرفت بشریت بوده و اعتبار آن را روزبه روز دوچندان خواهد نمود. در کتب حقوقی و فقهی بخشهای زیادی در مورد وکالت شده است و به نظر میرسد در تدوین بحث وکالت در قانون مدنی منابع معتبر فقهی مد نظر قانونگذار بوده است و در تدوین مواد مربوط به آن از فقه تبعیت شده است. بحث وکالت در فقه با التفات به منابع معتبر بحث مهمی به شمار می‌رود و فقها در خصوص ماهیت آن مبنی بر عقد یا ایقاع اختلاف نظر دارند همچنین قلمرو موضوعی وکالت را عمل مادی یا حقوقی می‌دانند در این مقاله به بررسی ماهیت وکالت و قلمرو موضوعی وکالت پرداخته شده است.

## اصطلاحات و مفاهیم

### ۱-۲- تعریف وکالت

### ۱-۱-۲- وکالت از دیدگاه فقهی

برخی از فقهای امامیه به واسطه روشن بودن مفهوم وکالت از تعریف آن خودداری کرده‌اند و برخی دیگر نیز سعی کرده‌اند تعریفی از وکالت ارائه کنند که دربردارنده واقعیت خارجی و حدود شرعی آن باشد. در فقه اسلامی وکالت به‌طور عام و کلی در هر تصرفی که جایز باشد شخص مباشرةً انجام دهد وکالت آن نیز جایز و صحیح است.<sup>۱</sup>

با وجود این، از مجموع تعاریفی که برخی از فقها از وکالت ارائه داده‌اند، این چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نظر مشهور فقها این است که وکالت «اعطای نیابت در تصرف است».<sup>۲</sup>

## ۲-۱-۲- وکالت از دیدگاه قانون مدنی ایران

طبق ماده ۶۵۶ قانون مدنی: «عقد وکالت، عقدی است که به‌موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید». قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، وکالت را عقد دانسته است. البته برخی از فقها<sup>۳</sup> معتقد به ایقاع بودن وکالت می‌باشند که به صرف یک اراده شکل می‌گیرد، یعنی صرفاً با اعلام اراده موکل به تفویض اختیار، وکالت شکل می‌گیرد و نیازی به اعلام اراده وکیل در قالب قبول نیست. بنابراین وکیل حتی اگر بدون اطلاع از این تفویض اختیار عملی را برای موکل انجام دهد، عملش در قالب وکالت صحیح می‌باشد و وکالت، فضولی نخواهد بود.

## ۲-۲- مبانی نظری وکالت

### ۲-۲-۱- مبانی نظری وکالت از دیدگاه فقهی

مقررات وکالت در قانون مدنی مبتنی بر فقه امامیه می‌باشد. ماده ۶۵۶ قانون مدنی که عقد وکالت را تعریف می‌نماید از تعریف مشهور فقهای امامیه تبعیت نموده است.<sup>۴</sup> قدر مشترک تمام این تعاریف «استنابه در تصرف» است.<sup>۵</sup>

از نظر فقهای مزبور، اثر اصلی و ذاتی وکالت «اعطای نیابت» می‌باشد. یعنی وکیل با انعقاد این عقد مجاز به انجام موضوع وکالت به نام و برای موکل می‌شود و آثار عمل وکیل در صورتی که در حدود

<sup>۱</sup> «کل عقد جائز آن یعقده الانسان بنفسه جاز آن یوکل به غیره»

<sup>۲</sup> «لوسط»، وکالت، چاپ دوم، دکتر عبدالرازق احمد السنهوری، ترجمه دکتر بهرام بهرامی، روزنامه رسمی کشور، بی تا، ص ۱۶  
<sup>۳</sup> از جمله این فقها می‌تواند به مرحوم سید محمدکاظم یزدی اشاره نمود که نظر مشهور مبتنی بر عقد بودن وکالت را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که وکالت از جمله عقود نمی‌باشد. (سید محمدکاظم یزدی، عروة الوثقی، جلد ۶، ص ۳۰۹، مسئله ۱)

<sup>۴</sup> برای نمونه رک. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، جلد ۲۷، ص ۳۴۷؛ سید محمد مجاهد، مناهل، کتاب وکالت.

<sup>۵</sup> «الوکاله عقد شرع للاستنابه فی التصرف»

موضوع وکالت و به مصلحت موکل باشد، به موکل برمی‌گردد و نقش وکیل صرفاً نقش واسطه و نماینده‌ای است که عملی را برای موکل خود انجام داده است.

### ۲-۲-۲- مبانی نظری وکالت از دیدگاه حقوقی

از دیدگاه حقوقی، حقوق دانان برجسته کشور، از نظر اکثریت و مشهور فقها پیروی نموده و وکالت را بر پایه «نیابت و نمایندگی» مورد تعریف و تفسیر قرار داده و آن را در زمره عقود «استنباه»<sup>۱</sup> و همچنین عقود اذنی دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

### ۲-۳- انواع وکالت

#### ۱-۲-۳- وکالت مدنی و نهادهای مشابه

با توجه به شناخت حقوق دانان از وکالت موضوع مواد ۶۵۶ تا ۶۸۳ قانون مدنی و با لحاظ موارد توضیح داده شده در سطور قبلی این مقاله از ورود مجدد به این نوع وکالت (که البته پایه و اساس انواع دیگر وکالت می‌باشد) خودداری ورزیده، صرفاً و به اختصار به بررسی برخی از نهادهای حقوقی مشابه می‌پردازیم.

#### ۲-۳-۲- وکالت مدنی و حق العمل کاری

وکالت و حق العمل کاری<sup>۳</sup> هر دو از انواع نمایندگی قراردادی هستند، هر دو به حساب دیگری قرارداد منعقد می‌کنند و اصولاً وضع ماده ۳۵۸ قانون تجارت<sup>۴</sup> مؤید قرابت این دو تأسیس حقوقی است، ولی برخلاف وکیل، حق العمل کار به اسم خود قرارداد منعقد می‌کند و همین امر موجب می‌شود که برخلاف وکیل، خود او در برابر طرف قرارداد مسئول انجام تعهدات قراردادی می‌باشد.<sup>۵</sup>

اگرچه ماده ۳۵۸ قانون تجارت ظاهراً به طور مطلق حق العمل کاری را جز در موارد استثنائی مشمول وکالت دانسته است، اما در واقع تنها رابطه «آمر و حق العمل کاری» از نوع وکالت است و با آن سختیت

<sup>۱</sup> دکتر جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، حاشیه ماده ۶۵۶ قانون مدنی

<sup>۲</sup> دکتر نوین، پرویز، حقوق مدنی (۷)، عقود معین (۲)، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۸۷؛ دکتر کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود اذنی، وثیقه های دین، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷.

<sup>۳</sup> حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل، حق العمل دریافت می‌دارد.

<sup>۴</sup> ماده ۳۵۸ قانون تجارت می‌گوید: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات مراجعه به وکالت، در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد».

<sup>۵</sup> دمرچیلی، محمد، حانمی، علی و قرانی، محسن، قانون تجارت در نظام حقوقی کنونی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ص ۶۹۷.

دارد. در رابطه «حق العمل کار و طرف قرارداد» چون حق العمل کار به نام خود معامله می‌کند، اصیل محسوب و باید تعهدات ناشی از قرارداد را اجرا کند. پس از این جهت، تعهد او تعهد اصیل است.<sup>۱</sup> برخی نویسندگان به پیروی از حقوق دانان خارجی، نمایندگی را به اعتبار نقش نماینده و در تحمل آثار عقد و رابطه او با اصیل و طرف قرارداد به «نمایندگی مستقیم و بی‌واسطه یا کامل» و «نمایندگی با واسطه و ناقص» تقسیم کرده‌اند. طبق این تقسیم‌بندی، در وکالت که مصداق نمایندگی مستقیم و بی‌واسطه است، حقوق و تعهدات ناشی از عقد، مستقیماً به دو طرف قرارداد می‌رسد و وکیل از میان دو طرف عقد حذف می‌شود ولی در حق العمل کاری که مصداق نمایندگی با واسطه و ناقص است، قرارداد به نام حق العمل کار و به حساب آمر منعقد می‌شود و هیچ رابطه حقوقی مستقیم بین آمر و طرف قرارداد به وجود نمی‌آید. به همین دلیل برخی حقوق دانان حق العمل کاری را «در حکم وکالت» نامیده‌اند.<sup>۲</sup>

### ۳-۳-۲- وکالت مدنی و نمایندگی فروش

وکیل، نماینده موکل است و گاه که موضوع نمایندگی وکیل، فروش مال است، ممکن است با «نماینده فروش» مشتبّه شود. در مورد نمایندگی فروش، فروض مختلفی متصور است. گاه نمایندگی فروش برای عرضه تولیدات صنعتی یک شرکت تولیدی است، مانند نمایندگی فروش خودرو که شرکت‌های خودروساز، نمایندگی فروش محصولات خود را به اشخاص واجد شرایط واگذار می‌کنند. حال اگر نماینده فروش محصولات شرکت را از طرف شرکت و با شرایط اعلامی از سوی شرکت و با قیمت اعلامی از سوی شرکت به مشتریان بفروشد و مشتریان نیز شرکت خودروساز را طرف خود بدانند، نماینده فروش، وکیل شرکت محسوب می‌گردد و آثار بیع به شرکت به‌عنوان موکل برمی‌گردد. اما اگر نماینده فروش خودرو، خود، تعدادی خودرو از شرکت سازنده خریداری نماید و اصالتاً به اسم خود به مشتریان بفروشد، در این مورد نماینده فروش، در واقع اصیل است و دعاوی مربوط به این قرارداد باید علیه خود نماینده اقامه شود.<sup>۳</sup>

### ۴-۳-۲- وکالت و وصایت

شباهت وکالت و وصایت را می‌توان در انجام عمل برای دیگری و از طرف دیگری دانست. وکیل از طرف موکل، نایب او در انجام برخی امور می‌شود و در وصایت نیز، وصی از طرف موصی، به خواسته‌های او جامعه عمل می‌پوشاند. اما تفاوتی بنیادین این دو تأسیس حقوقی را از هم متمایز می‌سازد. وکیل نایب

<sup>۱</sup> همان، ص ۶۹۹

<sup>۲</sup> دلشاد، ابراهیم، عقد وکالت از منظر قانون مدنی و مقررات وکالت دادگستری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶، صص ۴۰-۳۹

<sup>۳</sup> همان، ص ۲۶.

موکل است یا در زمان حیات او به نیابت از طرف او عمل می‌کند اما وصایت برای دوران پس از حیات موصی است. در زمانی که وصی اختیار می‌یابد که به خواسته‌های موصی جامعه عمل بپوشاند، دیگر موصی حیات ندارد به همین دلیل نیز برخی فقیهان در تعریف وکالت، قید «فی حال حیات» را به استناد در تصرف افزوده اند.<sup>۱</sup> برخی فقیهان علاوه بر این تفاوت، تفاوت ماهوی دیگری بین وکالت و وصایت قائلند به این نحو که وصایت را مصداق ولایت می‌دانند در حالی که وکالت نیابت است.<sup>۲</sup>

### ۵-۳-۲- وکالت و وصیت مدیر شرکتهای تجاری

قانون‌گذار در قانون تجارت ۱۳۱۱، به تبعیت از قانون تجارت ۱۸۶۷ فرانسه راجع به شرکتهای سهامی، مدیران شرکت سهامی را وکیل شرکا تلقی کرده بود (ماده ۵۱ ق.ت) که البته این راه حل، راه حل درستی نبود؛ چه مدیران وکیل شرکنند، نه وکیل شرکاء. اما در لایحه قانون ۱۳۴۷، او این راه حل را رها کرده و برای مدیران، که به صورت هیأتی عمل می‌کنند، به‌عنوان رکنی از ارکان شرکت سهامی، صلاحیت‌ها و اختیاراتی را پیش‌بینی نموده است که از حدود صلاحیت وکیل در مقابل موکل فراتر می‌رود. بنابراین از این پس، هیأت مدیره شرکت دارای اختیارات خاصی است که به‌صراحت در لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است، علاوه بر این که تمام اختیارات لازم برای اداره امور شرکت را نیز دارد (ماده ۱۱۸ لایحه مذکور).<sup>۳</sup> بنابراین، در حال حاضر نظرات دیگری درباره ماهیت رابطه مدیران با شرکت، مطرح شده است که به‌موجب آن، مدیران جزء ساختار شخص حقوقی (شرکت) بوده و اراده شخص حقوقی به وسیله آن اعمال می‌شود و در نتیجه مدیران و سازمان مدیریت جزء خود شرکت است.<sup>۴</sup>

### ۶-۳-۲- وکالت محضری (رسمی)

عبارت «وکالت رسمی» در قانون آیین دادرسی به کار رفته است.<sup>۵</sup>

وکالت محضری یا رسمی در واقع همان وکالت مدنی است با این تفاوت که نحوه و محل تنظیم آن متفاوت می‌باشد. بدین توضیح که تمام شرایط لازم برای انعقاد قرارداد وکالت از جمله اهلیت وکیل و موکل منطبق با مقررات قانون مدنی می‌باشد لیکن به جهت تنظیم و تنسيق امور، قانون‌گذار تنظیم این‌گونه وکالت‌نامه‌ها را در قالب و شکل خاص و در دفاتر رسمی پیش‌بینی نموده است.

<sup>۱</sup> «و هی استنابه فی التصرف فی أمر من الامور فی حال حیاته بخلاف الوصایه فانها للاستنابه بعد الموت»

<sup>۲</sup> «اما الوصایه فهی احداث ولایه لاستنابه، كما انه لايشکل بخروج الوکاله فی القول عنه»

<sup>۳</sup> اسکینی، ربیعاً، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات سمت، ص ۱۵۰

<sup>۴</sup> کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، ص ۵۷، به بعد.

<sup>۵</sup> ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی

در واقع علیرغم این که قانون مدنی امکان انعقاد عقد وکالت راحتی به صورت شفاهی و لفظی پذیرفته است.<sup>۱</sup> لیکن در عمل و به خصوص از جهت امکان استناد و بهره مندی از مزایای وکالت نامه ها، کلیه مراجع اداری و رسمی صرفاً وکالت نامه هایی را می پذیرند که به صورت رسمی و در دفاتر اسناد رسمی تنظیم و امضا شده باشند و در غیر این صورت و در عمل وکالت نامه های تنظیمی (حتی به صورت مکتوب)، قابلیت استناد ندارند و هر نوع وکالت اعم از وکالت هایی که در عرف به «وکالت های کاری» معروف شده اند، وکالت های معاملاتی با هر موضوعی در عمل به صورت رسمی تنظیم می گردد تا واجد اثر باشد.

در مواردی که موضوع وکالت انجام عمل حقوقی است که انعقاد یا اثبات آن نیاز به تنظیم سند رسمی دارد، وکالتنامه باید سند رسمی باشد. زیرا هدف از تنظیم سند رسمی به طور معمول حفظ نظم عمومی یا جلب توجه امضا کنندگان سند به آثار ناشی از آن است و رسیدن به این هدف، ملازمه یا رسمی بودن وکالتنامه مبنای سند انتقال دارد.<sup>۲</sup> برای مثال قانون گذار اعلام داشته که «هبه نامه» یا «صلحنامه» باید به موجب سند رسمی باشد.<sup>۳</sup> بنابراین اگر واهب یا مصالح برای امر هبه یا صلح، وکالتی به غیر بدهد، به حکم عقل، وکالتنامه اعطایی برای انجام این امور حقوقی باید رسمی باشد.

در برخی موارد نیز به جهت لزوم رعایت نظم عمومی و امکان نظارت مأمور رسمی (سردفتر) بر عمل حقوقی مورد نظر، آن عمل حقوقی باید به موجب سند رسمی صورت پذیرد.<sup>۴</sup> و بر این اساس، پذیرفتن وکالتنامه عادی در این موارد امکان پذیر نمی باشد و اگر مقرر باشد به جای اصیل، وکیل عمل حقوقی (معامله) را انجام دهد، حتماً اختیار او باید به موجب یک وکالتنامه رسمی باشد.<sup>۵</sup>

البته استثنای این مطلب را صرفاً می توان در خصوص وکالتنامه های دادگستری مورد اشاره قرار داد که به زودی به آن خواهیم پرداخت. از نظر کارکرد انعقاد نیز علیرغم این که طبق ماده ۶۵۷ قانون مدنی (تحقق وکالت منوط به قبول وکیل است) لیکن در رویه دفاتر اسناد رسمی، سند وکالت صرفاً به امضای موکل می رسد و نیازی به حضور وکیل در دفترخانه و امضای وی نیست. با این وجود، رویه اخیر نافی لزوم قبول وکیل نبوده و معمولاً اقدام وکیل در راستای وکالتنامه، قبول فعلی تلقی می شود.<sup>۶</sup>

## ۷-۳-۲- وکالت دادگستری

<sup>۱</sup> ماده ۶۵۸ قانون مدنی می گوید: «وکالت ایجاباً و قبلاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند، واقع می شود.»

<sup>۲</sup> کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود ادنی، وثیقه های دین، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱

<sup>۳</sup> ماده ۴۶ قانون ثبت

<sup>۴</sup> به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت، نقل و انتقال املاک ثبت شده، باید به موجب سند رسمی باشد.

<sup>۵</sup> طبق علم اصول، «مقدمه واجب، واجب است.»

<sup>۶</sup> بیات، فرهاد، بیات، شیرین، شرح جامع قانون مدنی، اندیشه ارشد، چاپ ۲۵، ۱۴۰۲، ص ۵۲۵

در حقوق ایران، قوانین متعددی به حق داشتن وکیل برای اشخاص در محاکم قضایی اشاره گردیده است. طبق اصل ۳۵ قانون اساسی «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». بر طبق ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام: «اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند، مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند»<sup>۱</sup>.

باب دوم قانون آیین دادرسی مدنی تحت عنوان «وکالت در دعاوی» و طی دوازده ماده به تفصیل به بحث وکالت و وکیل در مراجع قضایی پرداخته است.<sup>۲</sup> جدا از قوانین مذکور که به منزله قوانین اساسی و پایه تلقی می‌شوند، قوانین متعدد دیگری نیز به بحث وکالت و وکیل پرداخته‌اند.<sup>۳</sup>

#### – خصوصیات وکالت دادگستری و تمایز آن از وکالت مدنی

علیرغم اینکه اصولاً وکالت دادگستری نیز از نظر ماهیت و ذات، از همان مقررات وکالت در قانون مدنی تبعیت می‌نماید، اما به جهت خطیر بودن حرفه وکالت که یک حرفه کاملاً تخصصی و مهم جهت حفظ حقوق موکل می‌باشد، قانون‌گذار در برخی موارد، ویژگی‌های خاصی را از نظر تخصص و اخلاق حرفه‌ای که لازمه کار وکیل دادگستری می‌باشد، برای این نوع وکالت در نظر گرفته و در بسیاری از موارد صراحتاً به این ویژگی‌ها اشاره نموده است که برای نمونه تعدادی از این ویژگی‌ها که مختص وکیل دادگستری می‌باشد و البته، ذاتی عقد وکالت به مفهوم عام کلمه می‌باشد، اشاره می‌گردد.<sup>۴</sup>

شرایط ویژه اخذ پروانه وکالت دادگستری در حال حاضر در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ و لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ تصریح گردیده است. از جمله شرایط ویژه برای دریافت پروانه وکالت دادگستری، داشتن مدرک تحصیلی

<sup>۱</sup> به موجب تبصره ۲ ماده واحده مزبور: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره، فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌باشد»

<sup>۲</sup> جهت پرهیز از اطاله کلام و برای اطلاع بیشتر از مفاد این موارد ر.ک. به مواد ۲۱ الی ۴۷ قانون مدنی

<sup>۳</sup> از جمله این قوانین ک. به مواد ۳۱ تا ۳۴ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵، لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن.

<sup>۴</sup> ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «وکلائی متداعیین باید دارای شرایطی باشد که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاه‌ها برای آنان مقرر گردیده است»



کارشناسی (لیسانس) یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالییه از حوزه علمیه قم<sup>۱</sup>، تابعیت ایران، عدم اشتغال به مناصب دولتی، شهرداری (بلدی) و قضایی، عدم محجوریت، داشتن حداقل ۲۵ سال سن، عدم محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی، عدم اشتغال به فساد اخلاق، عدم محکومیت به جرائم و جنجهایی که منافی با وکالت است و عدم محرومیت از شغل وکالت به استناد حکم قطعی دادگاه می‌توان اشاره نمود.<sup>۲</sup>

مرجع قانونی احراز صلاحیت افراد جهت اعطای پروانه وکالت دادگستری طبق قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت و همچنین لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری کانون وکلای دادگستری مراکز استان‌ها می‌باشند.<sup>۳</sup>

### – محدودیت‌های قانونی وکالت در مراجع خاص قضایی

با وجود این که اشخاصی که با داشتن شرایط ویژه به کسوت وکالت درآمده اند، طبق قانون باید بتوانند در تمام مراجع قضایی وکالت نمایند، لیکن قانون‌گذار به موجب قوانین خاص، ایشان را از حضور و دفاع از موکلون در برخی مراجع خاص قضائی منع نموده است و فقط وکلایی را که دارای شرایط ویژه مدنظر قانون‌گذار می‌باشند را مجاز به حضور و دفاع از موکل در این مراجع یا پرونده‌های خاص دانسته است.<sup>۴</sup> قانون‌گذار محدودیت‌های دیگری در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۵</sup> و ماده ۶۲۵ همان قانون در خصوص دخالت وکیل در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ قانون مزبور بوده، و همچنین دخالت وکیل در پرونده‌هایی که در مراجع قضایی نیروهای مسلح مطرح می‌شود و مربوط به جرائم علیه امنیت کشور بوده و یا پرونده مشتمل بر

<sup>۱</sup> ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری.

<sup>۲</sup> ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری.

<sup>۳</sup> کانون های وکلای دادگستری طبق قانون تأسیس و اداره می‌شوند. این نهاد مدنی نهادی است مستقل از نهاد قضاوت و تضمین کننده حق دفاع برای شهروندان و صیانت از حقوق شهروندی آنان است.

<sup>۴</sup> تبصره ۱ ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام: «اصحاب دعوی در دادگاه ویژه روحانیت نیز حق انتخاب وکیل دارند، دادگاه تعدادی از روحانیون صالح را به عنوان وکیل مشخص می نماید تا از میان آنان به انتخاب متهم، وکیل انتخاب گردد.»

<sup>۵</sup> به موجب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می نماید. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد.»

اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، برای وکیل مقرر نموده است.<sup>۱</sup>

برخلاف وکالت‌های مدنی که اصولاً مستلزم پرداخت وجهی از جانب وکیل یا موکل به هر شخص (اعم از اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی) جهت امکان استناد به وکالت و اعتبار آن نمی‌باشد. در وکالت‌های دادگستری وکیل برای امکان دخالت خود به‌عنوان وکیل و اعتبار وکالت نامه تنظیمی با موکل، باید تمبر مالیاتی مطابق مقررات قانونی الصاق نماید.<sup>۲</sup> همچنین باید هر ساله نسبت به تمدید پروانه وکالت خود اقدام نماید، والا امکان وکالت از موکلون در مراجع قضائی از وی سلب خواهد شد.<sup>۳</sup>

البته موارد استثنایی طبق قانون وجود دارد که به‌موجب آن، در موارد خاصی افراد می‌توانند حتی بدون داشتن وکالت، برای دفاع از حقوق موکل خود اقدام به اعلام وکالت برای آنها نمایند.<sup>۴</sup>

## ۴-۲- مسائل خاص و مهم در حوزه عقد وکالت

### ۴-۱-۲- وکالت بلاعزل

هرچند عقد وکالت مستفاد از قانون مدنی، تعهدی است جایز، لیکن به‌موجب همان قانون در محدوده موارد مصرح قانونی، این عقد در حکم عقد لازم قرار می‌گیرد. این وضعیت، آثار مهم قانونی و عملی در پی دارد که در ادامه به اختصار به بررسی و واکاوی آنها خواهیم پرداخت.

طبق ماده ۶۷۹ قانون مدنی «موکل می‌تواند هر وقت بخواهد وکیل را عزل کند، مگر این که وکالت وکیل و یا عدم عزل در ضمن عقد لازمی شرط شده باشد.»

به عقیده برخی از اساتید حقوق، امکان برهم زدن وکالت را نباید مقتضا و جوهر وکالت دانست و هیچ مانعی ندارد که در نتیجه توافق طرفین عقد وکالت امکان بر هم زدن (فسخ) عقد وکالت توسط آنان

<sup>۱</sup> ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائم علیه امنیت کشور، در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به طور کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند.

<sup>۲</sup> ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم می‌گوید: «وکلاهای دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند، مکلف اند در وکالت نامه‌های خود رقم حق الوکاله را قید نمایند و معادل پنج درصد (۵٪) آن بابت علی‌الحساب مالیاتی روی وکالت نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند...»

<sup>۳</sup> مواد ۱۵ و ۱۶ قانون وکالت، بند ۳ ماده ۷۹ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مواد ۳ و ۷ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان مصوب سال ۱۳۵۰، مواد ۲ و ۴ آیین نامه مربوط به تعیین میزان و طرز وصول حق عضویت سالانه وکلای دادگستری مصوب ۱۳۵۰/۱۲/۳، بند ۱۰ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب سال ۱۳۷۳ و تبصره ۵ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۹ وکلای دادگستری را مکلف به تمدید پروانه وکالت با پرداخت هزینه‌های قانونی آن نموده‌اند.

<sup>۴</sup> ماده ۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ در مورد وکالت اتفاقی؛ ماده ۱۵ قانون امور حسبی؛ ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی و...

محدود شود یا از بین برود؛<sup>۱</sup> در مقابل، فسخ قابل اسقاط نیست زیرا با طبیعت و ماهیت اذن منافات دارد و حکم ماده ۶۷۹ قانون مدنی با هیچ منطقی قابل توجیه نیست و پیشنهاد حذف آن را در اصلاحات آتی قانون مدنی مطرح ساخته اند.<sup>۲</sup>

به هر حال و علیرغم اختلاف نظرات در خصوص امکان تنظیم وکالت بلاعزل، حکم صریح قانون گذار فصل الخطاب تمام مباحثات و اختلاف نظرات می‌باشد و با توجه به نص صریح قانون و کاربرد عرفی و روز افزون از این گونه وکالت‌ها، باید وجود و صحت چنین وکالت‌هایی را به رسمیت شناخت. طبق نظر مشهور فقهای امامیه عقد وکالت جزء عقود جایز است و علیرغم مواد ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۱ و ۶۸۲ قانون مدنی جواز عقد و دارای شدن حق فسخ برای طرفین، مقتضی ذات آن نیست و با درج شرط وکالت و کیل یا عدم عزل ضمن عقد لازمی، مادام که عقد لازم معتبر باشد، وکالت نیز به قوت خود باقی خواهد ماند و برحسب مورد، نه وکیل می‌تواند استعفا دهد و نه موکل حق عزل وکیل را دارد و البته این وضعیت تا زمانی است که علیرغم اعتبار قرارداد اصلی، یکی از طرفین، فوت نکند یا محجور نشود.<sup>۳</sup>

حال سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا شرط عدم عزل یا عدم استعفا در ضمن خود عقد وکالت امکان پذیر است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که در حقوق ایران با توجه به قسمت اخیر ماده ۶۷۹ قانون مدنی و نظر مشهور فقهای امامیه وقتی خود عقد جایز الزام آور نیست، تبعاً شرط ضمن آن هم الزام آور نیست. در حالی که در کشورهای دیگر مانند فرانسه، انگلستان و آمریکا، وضعیت متفاوت است و شرط عدم عزل یا استعفا در ضمن عقد وکالت پذیرفته شده است.<sup>۴</sup>

نکته حائز اهمیت این است که در رویه عملی، دفاتر اسناد رسمی عبارت «ضمن عقد خارج لازم» را به کار می‌برند و حق عزل یا استعفا و کیل را سلب و ساقط می‌نمایند. در این موارد ممکن است این ایراد مطرح شود که طرفین، کدام عقد لازم را در عالم خارج انشاء نموده اند. آیا در موارد اختلاف دادگاه باید تحقق ایجاب و قبول عقد لازم را در مرحله ثبوتی احراز نماید یا خیر. یکی از نویسندگان در پاسخ سؤال می‌نویسد: «پاسخ سؤال روشن است. درواقع طرفین با امضای وکالت‌نامه یا انجام عملی که مبین قصد انشا باشد، اقرار به انشای یک عقد لازم در عالم اعتبار نموده‌اند و ضرورتی به احراز ایجاب و قبول یک عقد لازم توسط دادگاه وجود ندارد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود اذنی، وثیقه های دین، همان مشخصات، شماره ۱۱۹، ص ۲۰۲؛ به نظر استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی: «جواز عقد وکالت جواز حقی است یعنی از قواعد امره نیست. پس می‌توان آن را مبدل به لزوم کرد» مجموعه مخشی قانون مدنی، ص ۳۶۳ حاشیه اول بر ماده ۶۷۹ قانون مدنی

<sup>۲</sup> دلشاد، ابراهیم، همان منبع، ص ۲۰۸

<sup>۳</sup> حبیبی، محمود، حقوق مدنی تحلیلی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۷، صص ۸۷-۸۶.

<sup>۴</sup> همان، ص ۸۷

<sup>۵</sup> همان

به نظر نگارنده این مقاله، علیرغم نظر نویسندگان مذکور، به نظر می‌رسد در مقام اختلاف احراز این که آیا واقعاً عقد خارج لازمی منعقد شده یا نه و این که بگوییم چون توافق کرده‌اند، پس حتماً عقدی وجود دارد یا با امضای وکالت چنین عقدی شکل گرفته، به خصوص با توجه به مبهم بودن نوع عقد خارج لازم و تردید در وجود یا عدم وجود چنین عقودی و عدم تعیین نوع آن، می‌تواند توسط مرجع قضایی (یا هر مرجع ذی ربط دیگر) مورد رسیدگی قرار گیرد و در صورت عدم احراز چنین عقدی، قرارداد وکالت به حالت جایز بودن خود برگردد و بالطبع، وکیل، قابل عزل باشد.

این وضعیت به خصوص با توجه به تابعیت عقود از قصدها<sup>۱</sup> و این که اگر قصدی و اراده انشائی نسبت نسبت به خلق یک اثر حقوقی به موجب یک قرارداد خارج لازم با نام یا بی نام برای طرفین وجود نداشته باشد، عقدی در خارج شکل نخواهد گرفت، قابل دفاع و توجیه است و موضوع پیچیده و خاصی نیست که به خصوص نخواهد محل نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد و برعکس می‌تواند جلوی بسیاری از سوء استفاده‌ها را از جانب وکیل (اعم از وکیل مدنی، عادی یا رسمی) بگیرد و بار بیهوده رسیدگی را از دوش مراجع قضایی بردارد.

## ۲-۴-۲- انحلال وکالت علیرغم بلاعزل بودن وکیل

هرچند که با توجه به نص ماده ۶۷۹ قانون مدنی، امکان اشتراط شرط مبنی بر بلاعزل بودن وکیل در ضمن عقد خارج لازمی<sup>۲</sup> و یا نفس شرط وکالت در ضمن عقد خارج لازم قابلیت عزل وکیل توسط موکل را از بین می‌برد، لیکن با توجه به جایز بودن عقد وکالت، در صورت فوت و حجر هر یک از وکیل یا موکل وکالت منفسخ خواهد شد.<sup>۳</sup>

به علاوه این که عدم امکان عزل وکیل به معنای عدم امکان استعفای وکیل نیست. چرا که در واقع، شرط عدم عزل ضمن عقد لازم، شرطی است به نفع وکیل و مشروط له همیشه می‌تواند از حقی که به موجب شرط برای او پدید آمده است، اعراض نماید. البته اگر همزمان یا به طور جداگانه حق استعفای وکیل هم سلب شده باشد، وی حق استعفا ندارد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> «العقود تابعه للقصد»

<sup>۲</sup> مثلاً عقد بیع یا عقد صلح یا هر عقد، نام لازم یا بی نام دیگر.

<sup>۳</sup> ماده ۶۷۸ قانون مدنی: «وکالت به طرق ذیل، مرتفع می‌شود:

(۱) .....

(۲) به استعفای وکیل

(۳) به موت یا جنون وکیل

<sup>۴</sup> «عزل از طرف موکل است و استعفاء از طرف وکیل، پس ماده ۶۷۹ ق.م. ربطی به استعفاء وکیل ندارد. اگر وکیل ضمن عقد لازمی متلزم به عدم استعفاء شود، این التزام قابل فسخ نیست ولی به موت یا جنون یا سفه او، وکالت از بین می‌رود». جعفری لنگرودی، همان منبع، حاشیه پنجم ماده ۶۷۹ ق.م.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که به عقیده برخی از حقوق دانان «شرط عدم عزل» موجب لزوم وکالت نمی‌شود. زیرا مستلزم دور است یعنی لزوم عقد وابسته به شرط است و از سوی دیگر لزوم شرط وابسته به عقد است؛ در پاسخ باید گفت اشکال نظریه فوق‌الذکر در این است که لزوم شرط را وابسته به قالب (عقد) می‌داند، در حالی که آنچه مبنای لزوم است، اراده طرفین است.<sup>۱</sup> طبق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، شرط اسقاط حق عزل، ضمن خود وکالت (وکالت بلاعزل) نیز معتبر و الزام آور است و آن را ساقط می‌کند.<sup>۲</sup> در اینجا لازم به ذکر است که حسب اطلاع و از نظر رویه قضائی برای ممانعت از سوء استفاده وکیل از چنین وکالت‌هایی، موکل می‌تواند از طریق دفاتر اسناد رسمی، تقاضای ضم وکیل<sup>۳</sup> نماید. البته تقاضای ابطال وکالتنامه نیز که مبتنی بر دلایل متقن بر سوء استفاده وکیل از اختیارات اعطایی باشد، امکان پذیر می‌باشد. از موارد کاربرد وکالت بلاعزل، بحث اعطای وکالت در طلاق از سوی زوج به زوجه و یا اعطای وکالت در مقام بیع اموال منقول و غیر منقول از سوی فروشنده به خریدار می‌باشد.

### ۳-۴-۲ - وکالت با حق توکیل به غیر

از مسائل مبتلا به در حوزه عقد وکالت که بسیار هم رایج و شایع می‌باشد، پیش‌بینی حقی به نام «حق توکیل» به غیر می‌باشد که به‌خصوص در وکالت‌های مطلق و عام و همچنین وکالت‌هایی که مبتنی بر یک قرارداد انتقال می‌باشد، قطعاً درج می‌گردد. پیش‌بینی چنین حقی در انواع وکالت اعم از وکالت مدنی، محضری و دادگستری امکان‌پذیر است و از این نظر هیچ تفاوتی بین این‌گونه وکالت‌ها نمی‌باشد.

فلسفه وجودی چنین حقی، امکان تسهیل در انجام موضوعات وکالت توسط شخص یا اشخاص دیگر می‌باشد. وکیل ممکن است به دلیل مانع قانونی، یا مسائل شخصی به‌خصوص از نظر وضعیت سلامتی جسم و روح، یا به هر دلیل دیگر، قادر به انجام موضوع وکالت نباشد. در چنین صورت‌هایی به‌شرط اعطای حق توکیل به غیر، وکیل مذکور می‌تواند از سوی خود یا موکل و به انتخاب خود، به شخص دیگری برای انجام تمام یا قسمتی از موضوعات وکالت، اعطای وکالت نماید.

<sup>۱</sup> بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین؛ همان منبع، ص ۵۲۰

<sup>۲</sup> نظریه شماره ۷۸۰۴۵۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۳

<sup>۳</sup> در وکالتنامه‌های بلاعزل یکی از راهکارهای محدود کردن وکیل، انتخاب وکیل دومی توسط موکل و اعلام مراتب به وکیل اول جهت انجام موضوع وکالت به صورت مشترک با وکیل دوم یا انجام موضوع وکالت نیز زیرنظر وکیل دوم (ناظر) انتخاب شده، باید توسط وکیل اول صورت پذیرد. در این صورت وکیل اول (وکیل غیر قابل عزل) نمی‌تواند بدون هماهنگی با وکیل دوم اقدامی نماید.

#### ۴-۲-۴- تفاوت وکالت با حق توکیل به غیر و تفویض وکالت

اساساً وکالت ثانوی به دو نوع «توکیل به غیر» و «تفویض وکالت» تقسیم می‌شود. توکیل به غیر، وکالت فرعی است که تابع وکالت اولیه می‌باشد و معمولاً منتهی به حذف وکیل اول از رابطه نمی‌شود، اما تفویض وکالت، قرارداد مستقلی است که نوعی انتقال وکالت می‌باشد و نتیجه‌ی آن، برخلاف توکیل به غیر که اعطای نیابت به شخص ثالث برای انجام مورد وکالت است، حذف وکیل اول از رابطه و انتقال موقعیت قراردادی وکیل اول به وکیل دوم و قائم مقامی وکیل دوم در جایگاه وکیل اول است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۴- نکاتی در خصوص وکالت با حق توکیل

۱- در ارتباط با روابط موکل با وکیل اول و دوم و همچنین رابطه وکیل دوم با وکیل اول علی‌رغم اختلاف نظرهایی که وجود دارد، می‌توان به نتایج زیر، دست یافت:

- اگر وکیل اول حق توکیل غیر را داشته باشد و وکیل دومی را انتخاب نماید، نقش وکیل اول از بین نمی‌رود و کماکان وکیل موکل است.

- اگر وکیل دوم را وکیل موکل در نظر بگیریم، با فوت یا حجر وکیل اول سمت وکیل دوم زایل نمی‌شود ولی اگر موکل دچار فوت یا حجر شود، نقش هر دو وکیل منتفی می‌شود.

- اگر وکیل دوم را وکیل برای موکل در نظر بگیریم، وکیل اول حق عزل وکیل دوم را ندارد. فقط موکل است که می‌تواند هر یک از وکلا را عزل نماید. ولی اگر وکیل دوم را وکیل برای وکیل اول در نظر داشته باشیم، هر یک از موکل یا وکیل اول می‌توانند وکیل دوم را عزل نمایند؛ حتی اگر عدم عزل وکیل دوم از طرف وکیل اول شرط شده باشد. زیرا با عزل وکیل اول از طرف موکل، سمت وکیل اول زایل شده و موضوع سالیبه به انتفاء موضوع می‌گردد.<sup>۲</sup>

۲- در فرض توکیل به غیر باید بر آن بود که در حقوق ایران، وکیل دوم حق ندارد به وکیل سومی وکالت دهد، مگر آن که در وکالتنامه اول قید عبارتی از قبیل «حق توکیل ولو کراراً» تصریح شده باشد.<sup>۳</sup>

۳- اذن در توکیل، اذن در تفویض وکالت نیست.<sup>۱</sup> (مگر این که نوع و موضوع وکالت عرفاً حکایت از اذن تفویض و کلاً حق تفویض وکالت داشته باشد).

<sup>۱</sup> مدنی، مهسا، وکالت ثانوی، مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۹۲، ص ۱۷۷

<sup>۲</sup> نوین، پرویز، همان منبع، ص ۱۰۶

<sup>۳</sup> مدنی، مهسا، همان منبع، ص ۱۷۹، البته طبق نظریه شماره ۷/۷۶۱۱ مورخ ۱۳۷۷/۶/۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «هرچند در وکالتنامه بعد از ذکر جمله با حق توکیل به غیر، جمله ولو کراراً نوشته نشده باشد، با این حال وکیل مذکور می‌تواند اختیار خود را به تمام وکلاء بعدی منتقل نماید و نیاز به جمله ولو کراراً نیست.»

۴- در حقوق ایران، برخلاف تفویض وکالت که در آن هرگاه وکالت اولیه بلاعزل باشد، وکالت ثانوی نیز به جهت انتقال موقعیت قراردادی وکیل اول به وکیل دوم، بلاعزل خواهد بود؛ در توکیل به غیر، وکیلی که در توکیل وکالت دارد، فقط وکیل در توکیل است و نه سلب حق عزل و این امر نیاز به تصریح موکل دارد.<sup>۲</sup>

۵- در نظام حقوقی ایران اگر وکیل غیر دادگستری به وکیل دادگستری همراه با اختیارات مندرج در ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی اعطای وکالت نماید و در وکالتنامه اولیه نیز به این اختیارات تصریح نشده باشد، دادگاهها مکلف به پذیرش وکالت وکیل دادگستری هستند، زیرا بسیاری از اختیارات مندرج در ماده مرقوم به حکم عرف قابل توکیل است و صرفاً اختیار راجع به صلح و سازش و داوری، از آنجا که خود وکیل اول هم فاقد آنهاست، قابلیت توکیل ندارد. مگر اینکه در وکالت نامه اولیه تصریح شده باشد.<sup>۳</sup>

## ۲-۵- وکالت و بیع

گرچه وکالت و بیع دو عقد معین جداگانه هستند که هرکدام شرایط و آثار خود را دارند، لیکن گاه قراردادهایی واقع می‌شوند که با هر دو عقد شباهت دارند و دادرس را به تردید می‌اندازد که ماهیت رابطه حقوقی شکل گرفته چیست؟ این مطلب بیشتر در خصوص خریدوفروش املاک و اموال به خصوص وسایل نقلیه موتوری (خودرو و موتورسیکلت) شایع می‌باشد. ظاهر قضیه عقد وکالتی است که وجود دارد ولی درواقع این وکالت مبین وجود یک رابطه حقوقی دیگر بین وکیل و موکل می‌باشد که غالباً ماهیت بیع دارد. خصوصیات چنین وکالت‌هایی، اختیارات نامحدودی است که موکل در قالب عقد وکالت به وکیل (یا درواقع همان خریدار داده است). از جمله مهمترین این اختیارات، حق وکیل در انحای تصرفات حقوقی از قبیل بیع، اجاره، صلح و... موضوع وکالت به هر شخص ولو به خود و با هر شرایطی می‌باشد.

خصوصیت دیگر چنین وکالت‌هایی مبتنی بر بیع، عدم حق عزل وکیل توسط موکل و حق توکیل به غیر ولو کراراً می‌باشد. به نظر یکی از استادان برجسته حقوق در چنین مواردی که دادرس در تشخیص نوع رابطه حقوقی دچار تردید می‌شود و نمی‌داند که باید انگیزه و هدف واقعی را مناط اعتبار قرار دهد<sup>۴</sup>، یا

<sup>۱</sup> به نظر نگارنده این مقاله هرچند ممکن است از نظر تئوریک و حقوقی این موضوع درست باشد، لیکن واقعیات عرف حاکم بر روند انعقاد و تنظیم وکالتنامه‌ها را هم نباید از نظر دور داشت و بر این اساس به نظر می‌رسد که حداقل در برخی موارد و بنا بر نوع و موضوع وکالت می‌توان به حکم عرف حق تفویض وکالت را صحیح و واجد اثر قانونی دانست.

<sup>۲</sup> مدنی، مهسا، همان منبع.

<sup>۳</sup> مدنی، همان، صص ۱۸۰-۱۷۹.

<sup>۴</sup> برای نمونه، بیع با صلح بودن رابطه ایجاد شده

صورت و قالبی را که طرفین برگزیده‌اند<sup>۱</sup>، باید عمل حقوقی انجام شده را صرف وکالت تلقی ننماید و آن را ابتدائاً «بیع» تلقی نماید اما نه بیعی که از همان ابتدا آثار تملک را دارد، بلکه چنین وکالتی نخست یک «وعده بیع» است. پیش قراردادی که به موجب آن، از سوی فروشنده ایجاب تمام است<sup>۲</sup> و تنها عاملی که برای تحقق تملیک بدان نیاز هست، انتخاب خریدار و تصمیم او بر قبول این حق است.

به همین جهت، پیش از اجرای نیابت صوری، وکیل را نباید مالک مال یا صاحب حق عینی بر آن پنداشت. به نظر این استاد برجسته حقوق، طرفین، ایجاد حق عینی<sup>۳</sup> را به صرف انعقاد عقد وکالت، اراده نکرده اند و خواسته اند که تملیک با انعقاد قرارداد دوم<sup>۴</sup> محقق شود. بنابراین تا زمانی که بیع انجام نشده است، وکیل مالک آن<sup>۵</sup> نیست و اگر موکل آن را به دیگری انتقال دهد، وکیل حق رجوع به او را ندارد و تنها می‌تواند از موکل خسارت بخواهد.<sup>۶</sup>

آنچه از نظر این استاد محترم حقوق برداشت می‌شود این است که در مقام تردید در ماهیت وکالت‌های در فروش، قاضی رسیدگی کننده باید ماهیت عمل انجام شده را فراتر از وکالت ببیند و تشخیص دهد. به فرمایش ایشان، باید ماهیت اینگونه وکالت‌ها را «وعده بیع» دانست، لیکن بیعی که با اعطای نیابت به وکیل صورت می‌پذیرد. پس نتیجه تجزیه و تحلیل این نظریه این می‌شود که آنچه ابتدا منعقد گردیده، عقد وکالت است. اما وکالتی با ماهیت وعده بیع که در صورت فروش مال، معلق علیه یعنی انتقال مالکیت به خریدار (که می‌تواند انتقال به خود وکیل باشد) به بیع منجر می‌شود. لیکن قبل از انتقال مالکیت، اثری در خصوص مالکیت موضوع وکالت ندارد که در این صورت، موکل (یا همان فروشنده) می‌تواند مال را به دیگری بفروشد و وکالت اعطایی را بی اثر سازد.

آنچه به نظر نگارنده مقاله حاضر می‌رسد، این است که با توجه به اصول حاکم در قرارداد هایی که برگرفته از نص صریح خود قوانین می‌باشد، هر دادرسی که در مقام رسیدگی به اینگونه وکالت‌ها باشد، صرفنظر از واقعیات و روابط منبایی و قبلی طرفین<sup>۷</sup>، و با استناد به ظاهر و اعتبار قرارداد وکالت، می‌بایست آن را صرفاً وکالت تلقی نماید و این موضوع به‌خصوص با توجه به اینکه در متن تمام وکالتنامه‌های رسمی تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی عبارت «این وکالت در نفس وکالت معتبر است» قید گردیده است، تأیید می‌گردد.

<sup>۱</sup> یعنی عقد وکالت

<sup>۲</sup> (به نظر می‌رسد منظور استاد، ایجاب عقد بیع است)

<sup>۳</sup> یعنی ایجاد حق مالکیت

<sup>۴</sup> فروش به نیابت

<sup>۵</sup> مالک مال موضوع وکالت می‌باشد.

<sup>۶</sup> کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود اذنی، وثیقه‌های دین، همان مشخصات، صص ۱۱۸-۱۱۷.

<sup>۷</sup> منظور، وکیل و موکل می‌باشد.



جهت جلوگیری از اطاله دادرسی و کشف قصد طرفین عقد وکالت، شایسته است دادرسان محترم فقط اعتبار ظاهری قرارداد را احراز نمایند و آن را فقط وکالت بدانند و نه قرارداد دیگری که خود را در قامت عقد وکالت نشان داده است. چرا که اثر ذاتی وکالت (به هر اسم و عنوان و به هر منظور) اعطای نیابت و استنا به در تصرف می‌باشد. اثر چنین استدلالی این خواهد بود که چنین وکالت‌هایی نیز از لحاظ اعتبار و انفساخ مشمول قواعد کلی مربوطه خواهند بود، در حالی که اگر غیر از این را بپذیریم، شائبه وجود یک عقد لازم با نام (مانند بیع)، یا بی نام (برای نمونه، وعده بیع) به جای وکالت و برخلاف ظاهر آن، به وجود می‌آید که مسلماً در چنین حالتی، دیگر عقد منعقد از موارد انحلال عقد وکالت تبعیت نخواهد کرد. بدیهی است چنانچه وکیل که با انفساخ (و حتی بطلان) عقد وکالت مواجه شده است، مدعی حقی باشد می‌تواند صرفنظر از وکالت اعطایی و البته با استفاده از منطوق و حتی مفهوم قرارداد منحل وکالت، نسبت به استیفای حقوق خود و الزام خواننده (موکل سابق) به انجام تشریفات لازم برای انتقال موضوع تعهد (ناشی از فروش) اقدام نماید.<sup>۱</sup>

## یافته‌ها

با توجه به بررسی اجمالی عقد وکالت که با محوریت بررسی نکات مهم، کاربردی و کلیدی عقد وکالت که بر اساس انواع وکالت شامل وکالت مدنی (منطبق با قانون مدنی)، وکالت رسمی و وکالت دادگستری، صورت پذیرفت، اهم نتایج بدست آمده به شرح ذیل می‌باشد:

۱) عقد وکالت به‌عنوان یکی از عقود معین یکی از مهمترین، کاربردی ترین و رایج ترین عقود می‌باشد که به‌خصوص به علت تسهیل در انجام امور حقوقی هر روز بر دامنه استفاده از آن اضافه می‌گردد.

۲) اثر عقد وکالت اعطای نیابت به وکیل می‌باشد که این اعطای نیابت، بیشتر در راستای انجام اعمال حقوقی و تصرفات حقوقی می‌باشد.

۳) اگرچه عقد وکالت از عقود جایز می‌باشد، لیکن بنابر نظرات مشهور در فقه و مبتنی بر قانون مدنی و همچنین رویه عرفی که به‌خصوص در تنظیم وکالتنامه‌های رسمی در دفاتر اسناد رسمی متداول و رایج می‌باشد، امکان عدم عزل وکیل به صورت شروط عدم عزل در عقد وکالت و یا ضمن عقد خارج لازم وجود دارد که در وکالتنامه‌های تام و مطلق که وکیل دارای اختیارات گسترده در تصرفات حقوقی در اموال موکل می‌باشد و همچنین در وکالتنامه‌هایی که در

<sup>۱</sup> بدیهی است آنچه در راستای بیانات جناب استاد دکتر کاتوزیان در این مقال که به نگارش نگارنده این مقاله در آمده است، صرفاً دیدگاه شخصی بنده و البته مبتنی بر آموزه های حقوقی و قانونی و رویه قضایی و عرفی حاکم می باشد و نگارنده هیچ اصراری بر صحت کامل اظهارات خود ندارد.

- راستای معاملات بین وکیل و موکل تنظیم می‌گردد، برای عدم عزل وکیل توسط موکل، این شرط در اکثریت قراردادهای وکالت درج می‌گردد.
- ۴) حتی در صورت عدم قابلیت عزل وکیل، به لحاظ این که عقد وکالت ذاتاً عقدی است جایز، بنابراین با حصول یکی از شرایط مندرج در قانون و یا انجام موضوع وکالت توسط خود موکل، اینگونه وکالتنامه‌ها نیز مانند سایر وکالتنامه‌ها خود به خود منفسخ خواهد شد. نکته‌ای که وجود دارد در مورد وکالتنامه‌های مربوط به دفاع در دادگستری می‌باشد که به نظر می‌رسد در هر صورت وکیل قابل عزل می‌باشد... لیکن اگر عزل او بی دلیل باشد، وی مستحق دریافت تمام حق الوکاله تعیینی می‌باشد.
- ۵) اگرچه وکالت یک عمل حقوقی دو طرفه و در دسته عقود و قراردادها می‌باشد و اساساً با قبول وکیل منعقد می‌گردد، اما در وکالتنامه‌های محضری یا همان وکالتنامه‌های رسمی به صرف امضای موکل، عقد وکالت به صورت رسمی منعقد می‌گردد نیازی به قبول وکیل در قالب امضای فیزیکی قرارداد نیست. بدیهی است که این رویه دفاتر اسناد رسمی به معنای تغییر ماهیت وکالت از عقد به ایقاع نمی‌باشد، بلکه وکیل با عمل به مفاد عقد به صورت عملی، قبول خود را اعلام می‌نماید.
- ۶) به نظر می‌رسد توالی عرفی ایجاب و قبول آنچنان که در مورد سایر عقود لازم است، در عقد وکالت لازم نمی‌باشد و تا هر زمان که مشخص شود، موکل نسبت به حفظ و اعتبار ایجاب خود، پای بند می‌باشد، وکیل می‌تواند با قبول خود، عقد را منعقد نماید.
- ۷) در بحث حق توکیل، بیان گردید که طبق مقررات قانونی، در تمام انواع وکالتنامه‌ها (وکالت عادی، رسمی و دادگستری)، شخصی که به‌عنوان وکیل انتخاب می‌شود، شخصاً باید نسبت به انجام موضوع وکالت اقدام نماید و حق انتقال تکالیف و تعهدات قراردادی خود را به غیر و بدون اذن موکل ندارد، و در صورت اذن موکل حق توکیل به غیر پیدا می‌نماید. ضمن این که بیان گردید که حق توکیل با تفویض وکالت متفاوت است. اولی، وکیل اول را همچنان در رابطه وکالت نگه می‌دارد، لیکن در دومی، وکیل شخص دیگری را به طور کامل و در قالب انتقال قراردادی، جانشین خود می‌نماید و خود از رابطه وکالت حذف می‌شود. تفویض وکالت بیشتر در مورد وکالت‌هایی کاربرد دارد که در راستای عقدی از عقود معین و به‌خصوص عقد بیع شکل می‌گیرند و منعقد می‌شوند و در معاملات انواع اموال منقول و غیر منقول کاربرد دارند. البته با توضیحاتی که نگارنده این مقاله در صفحات قبلی این مقاله ارائه نمود، در رویه عملی و عرفی، بعضاً تفویض وکالت نیز در قالب حق توکیل به غیر جلوه می‌نماید و معمولاً از واژه «تفویض» کمتر استفاده می‌شود.

۸) در مورد ماهیت وکالت‌های در فروش که امروزه بسیار متداول و مرسوم است و همه آنها نیز در قالب وکالت نامه‌های محضری و رسمی تنظیم می‌گردد، برخی از اساتید برجسته حقوق معتقدند که ماهیت چنین وکالتنامه‌هایی فراتر از عقد وکالت است و معتقدند که ماهیت اینگونه وکالت‌ها «وعده بیع» است، لیکن بیعی که با اعطای نیابت به وکیل صورت می‌پذیرد. طبق این نظریه، آنچه ابتدا منعقد گردیده، عقد وکالت است اما وکالتی با ماهیت «وعده بیع» که در صورت فروش مال، معلق علیه یعنی انتقال مالکیت به خریدار (که می‌تواند انتقال به خود وکیل باشد) به بیع منجر می‌شود. البته معتقدند که در اینگونه قراردادها (وکالتنامه‌ها) نیز موکل شخصاً و تا قبل از اقدام وکیل، حق اقدام در جهت انجام موضوع وکالت دارند (که البته با این تحلیل، ماهیت اینگونه عقود را هم باید همان وکالت دانست).

۹) در مورد وکالت‌های دادگستری مشخص گردید که علیرغم تبعیت کلی اینگونه وکالت‌ها از وکالت‌های مدنی موضوع قانون مدنی، لیکن به علت خطیر بودن و تخصصی بودن روند دفاع از موکلون، قوانین خاص و متعددی که در طی دهه‌ها تنظیم و تصویب گردیده‌اند، بر اینگونه وکالت‌ها حکومت می‌نمایند که وکیل دادگستری ناچار به تبعیت از آن قوانین و مقررات می‌باشد. ۱۰) به دلیل اهمیت وکالت دادگستری، اشخاص غیر وکیل دادگستری حتی با داشتن وکالت نامه‌های رسمی و محضری که در آن صراحتاً به وکیل حق طرح دعوا یا دفاع از دعوی مطروحه علیه موکل داده شده باشد، نمی‌توانند رأساً اقدام قضایی لازم را به عمل آورند و به شرط داشتن حق توکیل می‌توانند برای اقدام یا پیگیری روند دادرسی، به وکلای دادگستری، وکالت مع الواسطه بدهند. وکلای دادگستری نیز جهت دفاع از موکلون خود حق هرگونه اقدامی را جز آنچه در ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی احصاء شده و نیاز به تصریح در وکالتنامه منعقد می‌باشد، دارند.

پرواضح است که مسائل مربوط به انواع وکالت که گوشه‌ای از آنها در این مقاله آورده شده، بسیار متنوع و زیاد می‌باشند که امکان ذکر همه آنها قطعاً در قالب یک مقاله نمی‌گنجد.

### نتیجه‌گیری

امروزه به علت پیشرفت علم و تکنولوژی و وقوع مسائل فراوان استفاده از تخصص افراد متخصص افزایش پیدا کرده است. علاوه بر آن پیچیدگیهای مسائل روزمره در جامعه به کارگیری افراد دیگر به نیابت اهمیت وکالت را بیش از پیش ملموس کرده است. در این میان موجب بروز اختلافات نیز در ماهیت و قلمرو موضوعی وکالت شده است، با این اوصاف ماهیت و قلمرو موضوعی وکالت ضروری به نظر می‌رسد وکالت عبارت است از استنباه و به بیان عرفی کسی را نایب و نماینده قرار دادن است و در خصوص عقد یا ایقاع بودن وکالت اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر در اثر بیشتر خودش را

نشان می‌دهد به بیان دیگر در صورت عقد بودن یا ایقاع بودن اثر متفاوتی در ابعاد حقوقی آن خواهد داشت همچنین قلمرو موضوعی نیز می‌تواند دیگر آن را از قالبها و پدیده‌های حقوقی دیگر مانند نمایندگی و قائم مقامی و امثال آنها متمایز خواهد ساخت در مقاله حاضر این موضوعات به صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از مقالات و کتاب‌های حقوقی به روش کتابخانه‌ای، بررسی اجمالی عقد وکالت که با محوریت بررسی نکات مهم، کاربردی و کلیدی عقد وکالت و بر اساس انواع وکالت: وکالت مدنی (منطبق با قانون مدنی)، وکالت رسمی و وکالت دادگستری، صورت پذیرفت، همچنین ماده ۶۶۷ قانون مدنی اختیارات وکیل را به اختیارات صریح، عرفی و قرائن و شواهد تقسیم کرده است چنانکه می‌گوید: "وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصرح به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف داخل اختیار اوست تجاوز نکند."

ماده فوق اختیارات وکیل را به اختیارات صریح و اختیارات ضمنی تقسیم کرده است. اختیارات صریح آن است که صریحاً در عقد وکالت آمده باشد که آبراً باید وکالت صریح<sup>۱</sup> نامید. اختیارات ضمنی اختیاراتی است که صریحاً در عقد وکالت نیامده باشد ولی می‌توان قانوناً یا عرفاً یا با توجه به شواهد و قرائن یا عقلاً چنان وکالتی را ضمن عقد فرض کرد<sup>۲</sup>.

بدین ترتیب و در ادامه بر اساس آنچه در این مقاله ذکر گردید و نتایج عمده حاصله از مباحث عنوان شده به نظر نگارنده مقاله و جهت تکمیل مقررات مربوط به وکالت و رفع ابهام از موارد مبتلا به، در زمینه وکالت، می‌توان موارد ذیل را پیشنهاد نمود:

۱. ایجاد شفافیت در تنظیم و انعقاد وکالتنامه‌های محضری (رسمی) به گونه‌ای که علاوه بر امضای موکل، امضای وکیل هم در ذیل برگه وکالتنامه وجود داشته باشد و تا وکیل با حضور در دفترخانه و امضای آن در پیشگاه سردفتر آن را امضاء نکرده، این وکالتنامه فاقد اثر باشد.
۲. عدم تنظیم وکالتنامه‌های بلاعزل در دفاتر اسناد رسمی و تنظیم اینگونه وکالتنامه‌ها صرفاً با ارائه مدارک مثبت دال بر وجود یک قرارداد خارج لازم (مثلاً بیع) از سوی طرفین البته سردفتر وظیفه‌ای برای اثبات اصالت قرارداد خارج لازم ندارد و در صورت ارائه چنین قراردادی (به شرط قبول طرف مقابل)، بنابر اصل صحت و اصل ظاهر، سردفتر بنابر تقاضای موکل به‌عنوان رکن اصلی و پایه در عقد وکالت، پذیرفته شود و ملاک تنظیم وکالتنامه بلاعزل قرار گیرد.
۳. حذف قابلیت درج شرط بلاعزل بودن وکالت در متن وکالت‌های رسمی مگر با احراز شرایط موضوع بند ۲ این پیشنهادات.

<sup>۱</sup> Express Agency

<sup>۲</sup> Implied Agency

۴. محدود کردن دامنه موضوعات وکالت‌های مطلق و شفافیت در موضوعات به‌خصوص در قراردادهای وکالتی که در عرف به‌عنوان وکالت‌نامه‌های کاری معروف شده‌اند و بالطبع، جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی وکیل.
۵. عدم ترتیب اثر دادن به وکالت‌نامه‌هایی که به عنوان دلیل معاملات بین وکیل و موکل، در صورت بروز اختلاف بین ایشان توسط مراجع قضایی و لزوم ارائه ادله دیگر جهت اثبات هرگونه ادعا (معامله) توسط طرفین، به گونه‌ای که وکالت فقط در نفس وکالت مؤثر باشد و دستاویزی برای اشخاص جهت صرف استناد به آن برای اثبات روابط حقوقی نباشد و ارزش ادله اثبات دعوا همچنان حفظ گردد.
۶. شفافیت در اعطای حق توکیل به غیر و به شرط و تعیین دقیق حدود اختیارات وکیل ثانوی.

## منابع:

### الف: کتاب‌ها

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات سمت.
- بیات، فرهاد، بیات، شیرین. شرح جامع قانون مدنی اندیشه ارشد، چاپ ۲۵، ۱۴۰۲
- پرچین سفلی، محمد فرید (۱۳۹۹) ماهیت وکالت و قلمرو موضوعی آن در حقوق ایران، دومین کنفرانس علمی- پژوهشی رهیافت‌های نوین در علوم انسانی ایران. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد تبریز
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی.
- حبیبی، محمود، حقوق مدنی تطبیقی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۷.
- دلشاد، ابراهیم، عقد وکالت از منظر قانون مدنی و مقررات وکالت دادگستری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶
- دمر چیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن، قانون تجارت در نظام حقوقی کنونی، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط، ترجمه بهرام بهرامی، روزنامه رسمی، بی تا،
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود اذنی، وثیقه‌های دین، انتشارات مجد، چاپ دوم، سال ۱۳۷۶
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات.....، جلد ۲، سال .....
- مجاهد، محمد، مناهل، کتاب وکالت
- مدنی، مهسا، وکالت ثانوی، مطالعه تطبیقی در فقه، حقوق ایران و انگلیس، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۹۲
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد ۲۷
- نوین، پرویز، حقوق مدنی (۷)، عقود معین (۲)، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- یزدی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی، جلد ۶.

**ب: قوانین و آیین نامه‌ها**

- قانون آیین دادرسی مدنی
- قانون آیین دادرسی کیفری
- قانون اساسی
- لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، ۱۳۳۳
- آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، ۱۳۳۴
- قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، مصوب ۱۳۵۶
- قانون ثبت اسناد و املاک، ۱۳۱۰
- قانون مالیات‌های مستقیم
- ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، ۱۳۶۹

**ج: نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه**

- نظریه شماره ۷/۱۰۴۵۴ - ۱۳۸۲/۱۱/۳
- نظریه شماره ۷/۵۷۳۵ - ۱۳۶۴/۱۰/۰۱
- نظریه شماره ۷/۷۶۱۱ - ۱۳۷۷/۰۶/۰۶



# *Power of Attorney in Iran Law: From Theory to Practice*

*Mohammad Rahim Behbhani \**

## **Abstract**

**Background:** One of the most common, widely used and at the same time most controversial contracts is the power of attorney contract. According to the legislator, the inherent effect of this contract is the granting of representation by the client to the lawyer. This legal institution exists in all legal systems due to its wide and diverse application, and extensive discussions regarding its definitions, formation and effects have been raised by legislators and jurists. Although the inherent effect of this contract, which is the granting of proxy to a lawyer to carry out specific matters or matters, has been preserved in all legal systems, including the legal system of Iran, but due to the importance and practicality of this contract and public favor, the motives for using it Also, the form of contract and according to its related regulations have become diverse and numerous depending on the type of use. **Purpose:** Advocacy in Iranian law is from theory to practice to notarized (official) attorneys; attorney of justice; Attorneys in the capacity of sale, attorneys without attorneys, etc. to examine the affected issues. **Research method:** descriptive-analytical and based on existing sources and the achievements of previous studies to prove the formation of various types of agency contracts based on the definition of the civil law with some exceptions. **Results:** In addition to the general and detailed definition of advocacy, this research has explained each of the problems created in the field of advocacy.

## **Keywords**

*Power of attorney, Sale, Irrevocable power of attorney, Delegation of power of attorney, Right of substitution.*

---

\* Member of the academic staff, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran (corresponding author): thebehbahani@gmail.com